

الباب الرابع و العشر من الواحد الثامن في ان لكل نفس...

حضرت باب

اصلي فارسي



الباب الرابع و العشر من الواحد الثامن في ان لكل نفس ان يتلو من آيات البيان في كل يوم و ليلة سبعة آية و ان لم يقدر فليذ كر الله سبعة مرة.

ملخص این باب آنکه از آنجائی که توحید در حرف ذال منتهی الیه عروج او است و سر آن اینکه عدد هفت اللهم که بر حروف رتبه ثالث توحید گذرد رتبه خامس ظاهر میگردد و اذن داده که اگر کسی تواند هر روز و شب هفتصد آیه از بیان تلاوت نماید و اگر نتواند هفتصد مرتبه الله اظهر بگوید و ثمره آن اینکه اگر یوم قیامت باشد مؤمن شود "من یتظهره الله" تا کینونیت آن لایق شود که مدل شود بر حرف ذال و یکی از اعداد آن عدد گردد اگر خارج از حد عدد گردد و نبیند الا واحد بلا عدد را

نه این است که این امری باشد سهل بلی اسهل است از هر شیئی اگر ایمان آوری ولی چون آن روزی است عظیم بسیار صعب است که توانی با مؤمنین بود زیرا که مؤمن آن روز اصحاب جنت است و دون مؤمن اصحاب نار و جنت را معرفت "من یتظهره الله" یقین کن و طاعت او و نار را وجود من لم یسجد له و رضای او چه در آن یوم خود گمان میکنی که از اهل جنت و مؤمن باو هستی ولیکن محتجب میشوی و در اصل نار مقر تو است و تو خود نمیدانی



ORIGINAL



AUDIO

تصور کن ظهور او را مثل ظهور نقطهٔ فرقان که چقدر از حروف انجیل منتظر بودند او را ولی بعد از ظهور اصحاب جنت نبود تا پنج سال الا امیر المؤمنین - علیه السلام - و هر که در آن یوم مؤمن بحضرت بود سرا و کل اصحاب نار بودند و گمان میکردند که اصحاب جنتند

و همچنین در این ظهور مشاهده کن که تا امروز با تدابیر الهیه جواهر خلق را حرکت داده تا آنکه سیصد و سیزده نفر نقبا گرفته شد در ارض صباد که بظاهر اعظم اراضی است و در هر گوشه مدرسه آن لا یحصی عبادی هستند که با اسم علم و اجتهاد مذکور در وقت جوهر گیری گندم پاک کن او قیص نقابت را می پوشد این است سر کلام اهل بیت - علیه السلام - در ظهور که میگردد اسفل خلق اعلائی خلق و اعلائی خلق اسفل خلق

و همین قسم در ظهور "من یظهره الله" بین اشخاصی که خطور نمیکند بر قلوب ایشان دون رضای خدا را و کل تبعیت ایشان میکنند در ورع چه بسا اصل نار میگردند اگر ایمان باو نیاورند و عبادی که کسی خطورشان در حق ایشان نمیکند چه بسا بشرف ایمان قیص ولایت از مبدأ جود میپوشند زیرا که بقول او خالق میشود آنچه در دین خلق میشود از اعلی ذکر وجود گرفته تا منتهای آن مثل آنکه در ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - اوصیاء بقول آن وصی گشتند بین کسی که قیص جود ولایت عطا میکند خلق او در حق او اسم مؤمن که در ادنی خلق او است بر او منع میکنند

قسم بذات مقدس لم یزل که اگر کل اهل بیان مؤمن شوند بان شمس حقیقت مثل آنکه اول من آمن باو باو مؤمن شود هر آینه میپوشاند او را قیص اسم خود که در کینونیت او دیده نشود الا او و اگر اسم او عظیم است اعظم میکند و منسوب بخود میگرداند و در کتاب نازل میفرماید: "الله لا اله الا هو الاعظم الاعظم" بین کسی که این است بحر جود او که لا شیء محض را از ساحت فنا بساحت قدس بقائی میرساند که در کینونیت فؤاد او دیده نشود الا اسم او اگر در ظاهر در مشیت او دیده نشود الا مشیت مظهر او این است جود فیاض لم یزل و منان لا یزال که هر کس را خواهد قیص فنا پوشد چون ببند که عابد است او را ولی از او محتجب چون از مظهر ظهور او محتجب

چنانچه دید رسول خدا - صلی الله علیه و اله - که کل مؤمنین بانجیل خدا را میپرستند و مؤمنند بآنچه او نازل فرموده ولی چون دید محتجبند از نفس او که احتجاب از او احتجاب از خداوند است از این جهت حکم لدون الله کرد در حق ایشان و همچنین در نقطه بیان بین و همچنین در ظهور "من یظهره الله" که اگر کل در آن روز نظر بمبدأ دلیل و جوهر بسیط کنند یک نفر از اهل بیان نمی ماند که تصدیق نکند او را مثل آنکه اگر در ظهور نقطهٔ فرقان کل مؤمن بودند بقرآن از قبل هر آینه یک نفر نمی ماند الا آنکه حین استماع آیات الله اقرب از لمح بصر از صراط میگذاشت

نه این است که منتی باشد شما را ای اهل بیان بایمان باو بلکه اگر ایمان نیاورید خود لدون الله میشوید بلکه همت کرده ایمان آورده که لله شوید و از نار بنور مبدل شوید و الا او غنی است از کل ما سوی مثل آنکه اگر امروز کل ما علی الارض ایمان آورند بیان خود از نار نجات میابند و داخل جنت میشوند و از ذکر لدون الله که اشد از هر نار است نجات میابند و داخل جنت لله میشوند که اعظم از هر جنت است و از ذکر کاف نجات میابند و در ظل ایمان داخل میشوند و الا نقطه حقیقت لم یزل و لا یزال غنی بوده است از کلشی و کل مفتقر بوده اند بسوی او بوجود کینونیت خود که اگر کل ما علی الارض در یوم ظهور رسول الله - صلی الله علیه و اله - ایمان آورده بودند خود از نار نجات یافته بودند و حال هم که نیاورده خود در نار مغلد مانده

در هر ظهور خود همت نموده که خود را نجات دهید از نار ظهور قبل و الا ظاهر بظهور مستغنی است هیچ شیئی نیست الا آنکه و بکینونیت از برای او ساجد است لله عز و جل اگر چه خود محتجب باشد و در یوم ظهور او مؤمن نگردد که اگر کشف غطا از او شود مؤمن است از برای او چنانچه بظهور قبل او مؤمن است

ای اهل بیان نکرده آنچه اهل قرآن کردند از بهر خدا سجده و بر مظهر آن آنچه نباید کردند این است که یکدفعه کل اعمال لدون الله میشود و عامل ملتفت نمیشود چنانچه کل ملل بهمین حجب محتجب مانده و در نزد هر ظهوری لایق است که کل بان ظهور مؤمن شوند زیرا که کل بان قائمند

و لتتلون البیان علی لحن حزن فی آناء اللیل و اطراف النهار لعلکم باسم الله تجذبون ثم لاسماء الله تحزنون.

